

دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) نرسا
سال هجدهم، شماره ۵۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۳۲-۱

الگویابی حکمرانی نظامی متعالی برای فرماندهی مطلوب محسن عابدی درجه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده

در این پژوهش، الگوی حکمرانی متعالی به منظور فرماندهی نظامی مطلوب در یک سازمان نظامی بحث شده است. سبک فرماندهی، بیانگر الگوی شیوه اداره امور یک سازمان نظامی است. برای تدوین چنین الگویی با غور در مبانی دینی و ادبیات حکمرانی و فرماندهی مطلوب و متعالی از دیدگاه اندیشمندان، نسبت به استخراج خصوصیات رفتاری و اخلاقی فرمانده و نیز ویژگی‌های فردی و سازمانی، نظارتی و کنترلی، برنامه‌ریزی و اجرایی، هدایتی و کنترلی و همچنین مأموریتی اقدام گردید. برای این منظور، با توصیف منظم و نظام‌دار ویژگی‌ها و صفات یک فرمانده مطلوب به روش توصیفی - استنتاجی به تشریح، تبیین و تصویرسازی الگوی حکمرانی متعالی نظامی پرداخته شده است. نتایج این تحقیق معنویت، اخلاق محوری، بصیرت دینی، علم و فناوری، حاکمیت دین، عقل و قانون، مشورت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی، امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد، عدالت محوری، استکبارستیزی و داشتن روحیه تعاون را از ویژگی‌های اساسی الگوی حکمرانی متعالی و فرماندهی نظامی مطلوب معرفی می‌نماید.

واژه‌گان کلیدی: الگویابی، فرماندهی، حکمرانی نظامی، حکمرانی متعالی، فرماندهی مطلوب

^۱ دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران و هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام)

مقدمه

پدیده حکمرانی، موضوعی است میان‌رشته‌ای بین شاخه‌هایی از حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی (میهان، ۲: ۲۰۰۳). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۸). حکمرانی تنها در مورد دستگاه‌ها یا بازیگران کاربرد ندارد، بلکه از آن مهم‌تر، کاربردش در مورد کیفیت حکمرانی است که توسط شاخص‌ها و ابعادی آن را تشریح می‌کند. حکمرانی خوب در واقع، مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری است. حکمرانی خوب یعنی شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقا تساوی افراد در برابر قانون؛ بنابراین، حکمرانی خوب باعث می‌شود که صدای عامه مردم، زمانی که تصمیمات اخذ و منابع تخصیص می‌یابند، به گوش برسد. این حکمرانی متعلق به مردم است و توسط مردم شکل می‌گیرد (مقیمي و اعلايي اردكاني، ۱۳۹۰: ۱۷۴). بانک جهانی در سندی، حکمروایی خوب را بر اساس شش شاخص یا ویژگی به شرح زیر تعریف می‌کند:

- ۱- حق اظهارنظر و پاسخگویی؛
- ۲- (پرهیز از) بی‌ثباتی سیاسی و خشونت؛
- ۳- اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله؛
- ۴- بار مالی مقررات: مقررات اضافی و هزینه‌های آن؛
- ۵- حاکمیت قانون؛
- ۶- (پرهیز از) فساد (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۸).

حکمرانی متعالی، داستان تعهد آگاهانه، جدی، مستمر و مستقل جامعه به تحقق عدالت اجتماعی است؛ بنابراین علاوه بر ویژگی‌های حکمرانی خوب، نظیر حاکمیت قانون، بهبود کیفیت، بهره‌مندی از سیستم قضایی مستقل، تفکیک قوای متعادل، تلاش برای نیل به اجماع

در جامعه، تمرکززدایی و مبارزه با فساد و رفتارهای خودسرانه، رعایت منافع ملی در عقد قراردادهای شایسته‌سالاری اداری، کاهش هزینه و توجه به بازده عملکرد نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (پور عزت، ۱۳۹۱: ۲۷۰).

بنابراین، در این تحقیق محقق به دنبال الگویابی حکمرانی نظامی مطلوب یا شیوه و سبک فرماندهی متعالی در ذیل الگوی حکمرانی متعالی است. زیرا در یک نظام حکمرانی مطلوب که بخشی از آن را سازمان نظامی و انتظامی تشکیل می‌دهند، روش اجرایی حکمرانی نظامی و فرماندهی متعالی، جزء جدایی‌ناپذیر آن است. به همین دلیل دغدغه اصلی و اساسی این تحقیق کشف شاخص‌ها و ویژگی‌های چنین الگوی حکمرانی است. این ویژگی‌ها برای فرمانده و مدیر مطلوب در حوزه امور شخص و فردی که جنبه عمومی دارند، در حوزه امور نظارتی و کنترلی، اصول اخلاق مدیریت و فرماندهی، ویژگی عمده و شرح وظایف اساسی آنها و نحوه ارتباط با فرادستان و فرودستان است. بر همین اساس سؤال اصلی این تحقیق این است که اساساً الگوی حکمرانی نظامی متعالی مبتنی بر حکمرانی متعالی به‌منظور تحقق فرماندهی مطلوب چه سبک و سیاقی از حکمرانی نظامی است؟

تعریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

الگو و الگویابی

الگو به معنای طرح و نمونه می‌باشد (معین، ۱۳۸۷: ۱۵۲). الگو، به معنی سرمشق، مُقتَدی، اُسوه، قدوه، مثال و نمونه می‌باشد (دهخدا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). معین در تعریف اسوه آورده است: «پیشوا، مقتدا، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی می‌گردد» (معین، ۱۳۸۷: ۱۳۰). الگو، معادل کلمه مدل^۱ در زبان انگلیسی است. «یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به‌ویژه کوتاه)،

^۱ Model

یا تشریح است که برای نشان‌دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است» (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۶۳). الگو معادل فارسی واژه مدل است که در فرهنگ‌های لغت لاتین به معانی گوناگون به‌کاررفته است. در فرهنگ لغت آکسفورد (۲۰۱۴) معنای نخست این واژه، «بازنمایی سه‌بعدی شخص یا شیء یا سازه‌ای پیشنهادی در اندازه‌ای کوچک‌تر از اندازه اصلی» است. معنای دیگر الگو در فرهنگ لغت آکسفورد، «استفاده از چیزی به‌عنوان نمونه برای تقلید یا دنبال‌کردن» (عاملی، ۱۳۹۷: ۱۷).

در واقع الگو را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد، دکترین، سرمشق‌ها، راهبردهای کلی، نمونه‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها و مواردی شبیه به این دانست که پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های جزئی و کلی و برای کارهایی که قرار است با برنامه‌ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت کند و بخواهد به اهداف پیش‌بینی شده دست یابد، تعریف کرد (مختاریان پور، ۱۳۹۵: ۱۲). از آنجا که الگو به‌عنوان «وسیله‌ای برای انتقال دانسته‌ها و به شراکت گذاشتن آن بین مجموعه‌ای از افراد است»، بنابراین باید هم به‌وسیله «سازندگان آن و هم به‌وسیله همکاران و یا مخاطبان آنان» در بحث و تبادل‌نظرها قابل درک باشد. مسئله مهمی که در درک الگو باید مورد توجه باشد، این است که همه گیرندگان مفاهیم منعکس‌شده در الگو باید به درک یکسانی از موضوع مورد بحث برسند» (قراخانی‌بهار، ۱۳۸۷: ۵).

امام خامنه‌ای نیز الگو را این‌چنین تعریف می‌کنند: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد با آن الگو تطبیق داده شود» (وکیللی، ۱۳۹۲: ۱۱۳۶-۱۱۲۵). در واقع، منظور از الگویابی، تفکر و تدبیر در منابع به همراه جستجو، کشف و یافتن الگو، سرمشق، روش، شیوه و رویه‌ای است که با مبنا قرار دادن آن بتوان آینده یک اقدام را از قبل ترسیم نمود و راهبردی تبیین و تشریح کرد تا با برنامه‌ریزی

دقیق و صحیح عوامل اجرایی و نظارتی بتوانند بر مبنای اصول و قواعد اساسی این الگو خط‌مشی موردنظر را به درستی پیمایش کنند، تا در مسیر نیل به اهداف و آرمان‌های الگو انحرافی صورت نگیرد. به عبارت دیگر، الگو یک نقشه راه است که بایستی با غور در منابع و مآخذ مورد وثوق هر مکتبی، توسط خبرگان و اهل فن، مورد اکتشاف و استخراج قرار گیرد تا الگویی یافت شود، این فرآیند را الگویابی گویند (عابدی‌درچه الف، ۱۳۹۸: ۳). از طرفی دیگر الگو را می‌توان، تصویری کلان و جامع از یک نمونه ایده‌آل، البته قابل دست‌یافتن (جامعه مطلوب) دانست. الگو باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها و خطوط درشت و نقشه راه باشد (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۱). الگویابی برای یک فرمانده لایق، شایسته و موفق در حوزه امورات شخصی و فردی، امورات نظارتی و کنترلی، اصول اخلاق مدیریت و فرماندهی، شرح وظایف اصلی و نحوه ارتباط با فرادستان و فرودستان است.

مفهوم فرماندهی

فرماندهی یعنی اعمال اختیار بر اساس قانون توسط یک فرمانده در مواقع بحران و تهدید جان و مال مردم در چهارچوب جایگاه یا مأموریت محوله. یک فرمانده به‌منظور استفاده و به‌کارگیری اثربخشی منابع موجود و همچنین به‌منظور سازمان‌دهی، هدایت، هماهنگی و کنترل نیروهای نظامی برای تحقق مأموریت‌های محوله، دارای اختیار و مسئولیت می‌باشد. علاوه بر این مسئولیت‌ها، وظایف دیگری چون تأمین بهداشت، حفظ روحیه و نظم و انضباط افراد تحت امر نیز، بر عهده فرماندهی می‌باشد (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰). فرماندهی فقط فرمان‌دادن نیست که بکن یا نکن. یک نوع اداره همه‌جانبه و یک چیز متکی به ذهن و احساس و عمل و جسم و روح و با سازماندهی و شکل‌سازمانی صحیح است که در نیروهای مسلح، موجب کارایی کامل می‌شود. این کار در درجه اول، با سازمان‌دهی مستحکم، خوب، منعطف، روان و آشنا با ارزش‌های اسلامی احتیاج دارد. آمیخته با این ارزش‌ها و در کنار آن

و یا در قلب آن، فرماندهی‌ای با همه خصوصیات لازم برای فرمانده، مورد نیاز است. این خصوصیات، در درجه اول، ایمان است. فرمانده بی‌ایمان، به درد فرماندهی نمی‌خورد. به قدر ثقل کاری که به او محول می‌کنید، باید ظرفیت ایمانی داشته باشد. اگر نداشت، فایده‌ای ندارد. حقیقتاً مؤمن باشد و باور آورده باشد.

فرمانده باید مسئولیت‌پذیر باشد. باید آن مسئولیتی را که به او سپرده می‌شود و او قبول می‌کند، حقیقتاً قبول کرده باشد و تبعات ناشی از آن مسئولیت را بپذیرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲). بنابراین، فرمانده شخصی است حقوقی با اختیار و مسئولیت معین که در مواقع صلح، بحران و جنگ با سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی هدایت، هماهنگی و کنترل مجموعه تحت امر خود اهداف سازمانی را تأمین می‌نماید. فرمانده باید دارای مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ویژگی‌های فردی و سازمانی باشد تا به عنوان یک فرمانده‌تر از و مطلوب معرفی گردد.

حکمرانی مطلوب^۱

مطلوب عبارت است از: «طلب کرده شده، جُسته شده، خواسته، آرزو شده، خوش‌آیند، دلپسند، محبوب و معشوق» (معین، ۱۳۸۷: ۱۰۲۵). دولت مطلوب از نظر بُدن، دولتی است که پادشاه و حاکم آن، از قوانین طبیعت اطاعت کند (عنایت، ۱۳۸۴: ۷۷؛ عالم، ۱۳۷۷: ۱۴۷-۱۳۹). حکمرانی مطلوب حرکت از «وضعیت نامطلوب» به «وضعیت مطلوب» براساس «راهبرد ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب» می‌باشد؛ این تغییر و دگرگونی بایستی در ویژگی‌های بنیادین حکمرانی در ابعاد و سطوح مختلف اجرا و نهادینه شود (عابدی‌درچه

1. Favorable Governance

ب، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

امروزه تفکر غالب در حیطه حکومت‌داری، حکمرانی مطلوب است. این اندیشه که در دوره فرامدرن اداره امور کشورها شکل گرفته به «حاکمیت متکثر»، «حکومت‌مداری» و «اصول حکمرانی شایسته» تأکید می‌ورزد که همگی از مؤلفه‌های دولت‌های پست‌مدرن است. حکمرانی مطلوب، به حکومت‌کردن مطلق دولت نمی‌اندیشد، همچنین به صرف حکمرانی هم توجه نمی‌کند؛ بلکه به حکمران با هنجارهای مثبت و ارزشمندی اشاره می‌کند که حاصل آن را نوعی حکومت‌مداری می‌داند که در نوع شایسته خود، محقق شده است. حکمرانی مطلوب، فساد را به کمترین میزان می‌رساند، مشکلات اقشار آسیب‌پذیر را در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌کند. همچنین حکمرانی مطلوب به نیازهای فعل و آینده جامعه اهمیت داده و آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. دریافت صحیح حکمرانی مطلوب مستلزم این است که اولاً: مفهوم حاکمیت در بستر این ایده تبیین شود؛ ثانیاً: شاخصه‌های آن مورد توجه قرار گیرد (عباسی و پتفت، ۱۳۹۶: ۴۹-۴۸).

حکمرانی مطلوب از جمله اندیشه‌های خلاقانه و نوآورانه در عرصه اداره و راهبری سازمان‌ها و جوامع به شمار می‌رود که الگویی اثربخش و کارآمد در راستای حفظ و ارتقای سطح رفاه، آزادی، انتخاب و بهروزی نسل‌های معاصر و آینده و همچنین ظرفیت‌های تداوم‌بخش و پایدارساز حیات انسانی را نوید می‌دهد. به عبارت دیگر، حکمرانی مطلوب بر راهبری معطوف به تعالی انسانی و اجتماعی دلالت دارد و بر تعالی آینده و آیندگان معطوف می‌باشد از این‌رو، آینده مطلوب مستلزم حکمرانی مطلوب است و شکل‌گیری و تحقق حکمرانی مطلوب مستلزم «تصویرسازی و شکل‌بخشی آینده» است که خود «ترکیب دانش و ارزش» را می‌طلبد و این امر مستلزم آینده‌پژوهی است و به آینده‌پژوهی نیز می‌انجامد

(کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۰). در واقع، حکمرانی نظامی مطلوب سبکی از فرماندهی یا ادارهٔ امور یک سازمان نظامی است که بر مبنای آن فرمانده و دارابودن صفات و ویژگی‌های فردی و سازمانی، متخلق به اصول اخلاقی است و با تأکید بر همین مؤلفه‌ها سازمان را اداره می‌نماید.

روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، در حوزهٔ نظری بنیادی و در حوزهٔ عملی کاربردی و از لحاظ روش و ماهیت، توصیفی - استنتاجی است، به گونه‌ای که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها و مقاله‌های علمی - پژوهشی ادبیات تحقیق سازماندهی و الگویی متعالی از حکمرانی نظامی و فرماندهی متعالی با شاخص‌ها و ویژگی‌های مربوطه تبیین شده است.

ادبیات پژوهش

نظریه یا رویکرد حکمرانی متعالی در اسلام

تأسیس حکومت اسلامی در مدینه، ساختار جدیدی از نظام سیاسی را پدید آورد که پیش از آن وجود نداشت. برخی از ویژگی‌ها و مشخصات این نظام که حداقل تا پایان حیات پیامبر و نیز در حکومت کوتاه علی «علیه‌السلام» ادامه یافت (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶-۳۳). تلاش برای تعریف حکمرانی مطلوب بدون لحاظ مسئلهٔ هنجاری استلزامات مطلوبیت به‌منزلهٔ نادیده‌انگاری قواعد منطق به‌شمار می‌رود (رودستین^۱، ۲۰۱۳: ۱۲). به همین دلیل، در کانون حکمرانی مطلوب مفهوم استلزامات هنجاری نهفته است. به عبارت دقیق‌تر، حکمرانی مطلوب به حکمرانی براساس ارزش‌ها و اصول معینی اشاره دارد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۶). از این‌روی، در حرکت از تعریف حکمرانی به تعریف حکمرانی مطلوب، ابعاد هنجاری

^۱ Rothstein

«آنچه که باید باشد» برجسته تر می گردد (گریندل^۱، ۲۰۰۷: ۵۵۵).

بدین ترتیب، حکمرانی مطلوب به حکمرانی بر اساس ارزش‌ها و اصول معینی اشاره و دلالت دارد (گوده و نیورت^۲، ۲۰۱۴: ۵۴۴)؛ بنابراین، حکمرانی مطلوب مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، آرمان‌ها و بایدها و نبایدهای تجویزی است که بر اساس اصول مبنایی هر نگرش، مکتب و ایدئولوژی سیاسی تصویرپردازی و چشم‌اندازسازی می‌شود و به‌عنوان الگو عملی آن نظام سیاسی به مرحله اجرا و اقدام گذاشته می‌شود. در واقع، وضعیت موجود هر حکمرانی، معطوف به «هست‌های» آن جامعه و وضعیت مطلوب آن معطوف به «بایدهای» آن می‌باشد. «هست‌ها» همان واقعیت‌های وضع موجود هستند و «بایدها» هنجارها و مطلوب‌هایی که موردنیاز جامعه هستند. بر همین اساس، هر نظام سیاسی بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای خود فهرستی از خصوصیات، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب را معین می‌کند تا حکمرانان با سرمشق قراردادن این اصول به حکمروایی در جامعه بپردازند.

از آنجایی که ما معتقدیم دین مبین اسلام کامل‌ترین دین در میان ادیان و مکاتب جهان است، اصول و هنجارهای حکمرانی متعالی را از سیره نبوی، علوی و فرزندان طاهرین و نایبان آنها به‌عنوان تنها حاکمان مورد تأیید خداوند استخراج می‌نماییم. اعتقاد به ساختار مناسب و کارگزار دارای شرایط موردنظر اسلام که خروجی این دو باعث کارکرد مطلوب گردد، از ضروریات این نوع حکمرانی است؛ لذا عناصر اصلی حکمرانی متعالی در اسلام شامل ساختار، کارگزار و کارکرد است که بدون ایجاد و اصلاح دو عنصر اولی، عنصر سوم بازخورد مناسب و مطلوب را نخواهد داشت (عابدی در چه، ۱۳۹۹: ۱۷۴). به دیگر سخن،

¹ Grindle

² Goede & Neuwirth

حکمرانی متعالی، سیاقی از حکمرانی است که بر اساس آن حکمرانان باتکیه بر اصول اساسی و مبنایی و مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، آرمان‌ها، نگرش و مکتب دینی و اسلامی به دنبال اصلاح وضعیت موجود جامعه و نیل آن بر مراتب ترقی و پیشرفت است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

الگویابی و الگوسازی حکمرانی مطلوب

اندیشه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب، تسلط بر محیط و کاهش عدم اطمینان، بنیان شکل‌گیری علوم، تلاش انسان‌ها، جوامع و نظام‌های سیاسی در طول تاریخ بوده است (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۶). هنگامی که از اصلاح یک سیستم اجتماعی، سخن به میان می‌آید، منطقی است که پرسیده شود وضع مطلوب چه بوده که اکنون انحراف از آن حادث شده! حرکت به سوی اصلاح، متضمن آگاهی از وضع مطلوب و فاصله وضع موجود تا آن است (پور عزت، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

بر مبنای شناخت زمان‌های سه گانه گذشته، حال و آینده برای درک وضع موجود و نیل به وضع مطلوب، براساس آینده‌پژوهی حکمرانی مطلوب است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هم در همین رابطه می‌فرماید: «رحم الله امراءاً اعدّ لنفسه و استعداد لرمسه و علم من این و فی این و الی این»؛ خداوند رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۷۱).

از سوی دیگر پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) در مورد الگویابی برای ریاست، حکمرانی و فرماندهی بر مردم چنین می‌فرماید: «ان الریاسه لا تصلح الا لاهلها، فمن دعا للناس الی نفسه و فیه من هو اعلم منه لم ينظر الله الیه یوم القیامه»؛ ریاست، جز برای اهلش، شایسته و روا

نیست. پس هر کس مردم را به سوی خود بخواند، در حالی که میان مردم داناتر از او هست، خداوند در روز قیامت به او نگاه نخواهد کرد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۶).

منظور از حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی

منظور از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی» است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۷). بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری (جانسون^۱، ۱۹۹۷: ۹). «دلیلی» به نقل از «کافمن» در مورد حکمرانی خوب و شاخص‌های آن می‌نویسد: «با ورود مفهوم «حکمرانی خوب» به ادبیات توسعه سیاسی و مدیریت، شاخص‌های متعددی همچون حق اظهارنظر، ثبات سیاسی، اثربخشی و کارایی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد و غیره مورد تأکید قرار گرفت» (دلیلی، ۱۳۹۷: ۶۳). بانک جهانی حکمرانی خوب را باتوجه به شش ویژگی ذیل تعریف می‌کند:

۱- حق اظهارنظر، پاسخگویی و حساب‌پس‌دهی؛

۲- ثبات سیاسی و مهار خشونت؛

۳- اثربخشی و کارآمدی؛

۴- پالایش مقررات اضافی؛

۵- قانون‌مداری؛

۶- مهار فساد (پورعزت، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

^۱ Johnson

از سوی دیگر، زاهدی و ابراهیم‌پور با ادبیاتی متفاوت تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب را در قالب این شش بُعد اصلی آورده‌اند:

- ۱- آزادی بیان و پاسخگویی شامل آزادی‌های مدنی و ثبات سیاسی؛
 - ۲- اثربخشی حکومت شامل کیفیت خط‌مشی‌گذاری و کیفیت ارائه خدمات عمومی؛
 - ۳- فقدان اجبارهای قانونی؛
 - ۴- قواعد قانونی شامل حمایت از حقوق مالکیت؛
 - ۵- انسجام درونی قوه قضائیه و کنترل فساد؛
 - ۶- نظام اداری پاسخگو (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۵۷).
- کافمن و همکارانش (۲۰۰۰) حکمروایی را به شش مؤلفه تقسیم می‌کنند که حول سه مقوله زیر سازمان یافته است:

- ۱- صدا (حق اظهار نظر) و پاسخگویی که شامل آزادی‌های مدنی، آزادی در مطبوعات و ثبات سیاسی است؛
- ۲- اثربخشی دولت، که شامل کیفیت سیاست‌گذاری و ارائه خدمات عمومی و نبود موانع قانونی (بار مالی مقرراتی) است؛
- ۳- حاکمیت قانون، که شامل حفاظت از حقوق مالکیت و استقلال قضایی و کنترل فساد است (عظیمی‌آملی و رکن‌الدین‌افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۳).

اما ویسی همین شش ویژگی حکمرانی مطلوب (گاورننس مطلوب) از نظر بانک جهانی را با ادبیاتی دیگر بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

- ۱- حق اظهار نظر و حساب‌پس‌دهی: این که شهروندان قادر باشند مقامات عالی‌رتبه دولت، اعضای پارلمان ملی و محلی را انتخاب کنند، از آزادی بیان، آزادی فعالیت‌های انجمنی،

اجتماع، کار جمعی و آزادی رسانه‌ای برخوردار باشند، به نوعی حق اظهارنظر و حساب پس دهی است.

۲- پایداری سیاسی و فقدان خشونت: احساس امکان این که دولت، ناپایدار است یا به شیوه‌ای خلاف قانون اساسی و یا به وسیله خشونت اعم از خشونت سیاسی و تروریسم، منحل یا فروپاشیده خواهد شد، بر خلاف قواعد گاورننس مطلوب است.

۳- اثربخشی دولت: کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال نهادهای ارائه کننده این خدمات دور از فشارهای سیاسی و اعتبار و ضمانت اجرایی تعهدات دولت به این خط‌مشی‌ها، بیانگر میزان اثربخشی دولت است.

۴- کیفیت نظم‌دهی: توانایی دولت در فرموله کردن و اجرای دقیق خط‌مشی‌ها و ارائه مقرراتی که اجازه حضور، ارتقاء و توسعه بخش خصوصی را می‌دهد.

۵- حاکمیت قانون: این اصطلاح بدین مفهوم است که نمایندگان مردم مورد اعتماد هستند و به وسیله حاکمان جامعه باید پایدار بمانند. همچنین کیفیت اجرای پیمان و معاهده‌ها و عملکرد پلیس و دستگاه قضایی به گونه‌ای باشد که مورد اعتماد و امین مردم باشد.

۶- کنترل فساد: اگر قدرت عمومی برای نفع شخصی و خصوصی چه به صورت جزئی و چه به صورت کلان اعمال شود، فساد روی داده است. همچنین که نخبگان و علاقمندان بخش خصوصی، برخی پست‌های حکومتی را در اختیار می‌گیرند و از آن برای منافع خصوصی استفاده می‌کنند (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

همچنین بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، ویژگی‌های بنیادی گاورننس مطلوب، مشارکت، قانونمندی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، محاسبه‌پذیری، جهت‌گیری هماهنگ، اثربخشی و کارایی، برابری و پاسخگویی است. توکلی‌نیا و شمس پویا در کتاب قدرت و حکمروایی شهری، مؤلفه‌های حکمرانی شایسته را چنین برشمرده‌اند: «مشارکت، پاسخگویی،

قانونمندی، شفافیت، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری» (توکلی‌نیا و شمس پویا، ۱۳۹۵: ۱۹۰). زاهدی و ابراهیم‌پور به نقل از چوو و سو اصول و ویژگی‌های حکمرانی خوب از دیدگاه برنامه توسعه ملل متحد (۱۹۹۷) را چنین بیان کرده‌اند:

- ۱- مشارکت: همه مردان و زنان بایستی صدایی (سهمی) در تصمیم‌گیری داشته باشند.
- ۲- قانون‌محوری: چهارچوب قانونی باید به‌طور مناسب و منصفانه تدوین و اجرا شود.
- ۳- شفافیت: اطلاعات کافی درباره فرآیندها و نهادها، برای شناخت کافی و اعمال نظارت در اختیار همگان قرار داده شود.
- ۴- پاسخگویی: نهادها و فرآیندها باید نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند.
- ۵- اجماع‌محوری: حکمرانی خوب باید بین منافع مختلف برای دستیابی به اجماع گسترده جهت تأمین منافع گروه‌ها تعادل ایجاد کند.
- ۶- عدالت و برابری: همه مردان و زنان باید از فرصت برابر برای تأمین خواسته‌های خود برخوردار باشند.
- ۷- اثربخشی و کارایی: فرآیندها و نهادها باید رویه‌هایی ایجاد کنند که دستیابی اثربخش و کارا به هدف‌ها را با بهره‌گیری مطلوب از نتایج امکان‌پذیر سازند.
- ۸- مسئولیت: تصمیم‌گیری در سطح دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی توأم با احساس مسئولیت نسبت به شهروندان صورت گیرد.
- ۹- بینش استراتژیک: رهبران و عموم مردم باید دیدگاهی وسیع و راهبردی نسبت به حکمرانی خوب و توسعه انسانی داشته باشند که مستلزم درک پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۶).

در گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه،

حکمرانی خوب دارای هشت ویژگی عمده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مشارکت، اجماع محوری، پاسخگوئی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارایی، عدالت و فراگیری و پیروی از حاکمیت قانون. این ویژگی‌ها تضمین می‌کند که فساد به حداقل برسد، نظر اقلیت‌ها به حساب بیاید و صدای اقشار آسیب‌پذیر جامعه در تصمیم‌گیری‌ها شنیده شود. همچنین به نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ داده شود (زهیری، ۱۳۹۷: ۵۷).

لطفی و همکارانش به نقل از مزروعی در خصوص حکومت‌داری خوب می‌نویسند: «عبارت است از فرایند تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با مشارکت سازمان‌های جامعه مدنی و با رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی به گونه‌ای که ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به تحقق عدالت، امنیت و توسعه پایدار منابع انسانی و محیط‌زیست منجر شود» (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۵).

از دیدگاه کنسرسیوم ممیزی دموکراتیک، چهار معیار یا شاخص حکمرانی خوب عبارت‌اند از: انتخابات آزاد و منصفانه؛ درجه شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دولت (در سطوح مختلف)؛ میزان حمایت از حقوق و اتحادیه اروپا حکمرانی مطلوب را، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور باهدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار می‌داند. در تعریفی دیگر، حکمرانی مطلوب شامل احترام سیاست‌مداران و نهادها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است. همچنین حکمرانی خوب به طور خاص به موضوع مدیریت منابع عمومی جهت ایجاد اقتصادی پایدار و شیوه‌های توزیع عادلانه مربوط می‌شود (نقیبی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۱۰). به‌طور کلی، برخی نویسندگان همین هشت ویژگی را با ادبیات‌های گوناگون چنین بیان کرده‌اند: مشارکت محوری، اجماع یا وفاق محوری، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف‌پذیری، کارآمدی، و اثرگذاری، انصاف و برابری و حاکمیت

قانون یا قانون محوری (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۵۹-۵۸؛ عباسی و پتفت، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۹).

همچنین گارنر (۲۰۰۳) معتقد است که برنامه‌های حکمرانی خوب بایستی بر ویژگی‌های زیر مبتنی باشد: «سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و محیطی مناسب، پاسخگویی نهادهای دموکراتیک به نیازهای مردم، قانون محوری، معیارهای ضدفساد، برابری جنسیتی و ایجاد ظرفیت برای سرمایه‌گذاری»؛ بنابراین زاهدی و ابراهیم‌پور در کتاب حکمرانی مبتنی بر پایداری با توجه به نقاط مشترک دیدگاه‌های ارائه شده، اصول و ویژگی‌های دوازده‌گانه زیر را جمع‌بندی کرده‌اند: مشروعیت، آزادی بیان، مسئولیت و پاسخگویی، عدالت و برابری، اثربخشی حکومت، عملکرد اثربخش، قانون‌مداری، بیش راهبردی، اجماع محوری، مشارکت، کنترل فساد و شفافیت (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۵۹). همچنین اتحادیه اروپا نیز در مقاله سفید، به عنوان نظام‌نامه گاورننس، پنج اصل زیربنایی گاورننس مطلوب را، آزادی، مشارکت، حساب پس دهی، کارآمدی و انسجام می‌داند که این موارد باید در همه سطوح دولت از سطح محلی تا جهانی به کار گرفته شود (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

حکمرانی خوب چیزی بیش از صرفاً مدیریت کارآمد منابع مالی و اقتصادی یا ارائه خدمات عمومی ویژه است؛ حکمرانی خوب مشتمل بر یک استراتژی اصلاحی وسیعی برای تقویت نهادهای جامعه مدنی^۱ است که حکومت را بازتر، پاسخگوتر، حساب‌پس‌ده‌تر و دموکراتیک‌تر می‌سازد، در این رویکرد ممکن است بهترین راه برخورد با یک مسئله ویژه برای خط‌مشی، تدوین مقررات مشارکت با بخش خصوصی یا خصوصی‌سازی یک وظیفه باشد؛ ضمن این که تدارک و ارائه مستقیم خدمات توسط حکومت و بوروکراسی نیز مانعی

^۱ Civil Society

نخواهد داشت؛ این امر بستگی به شرایط دارد؛ یعنی بسته به شرایط، باید بهترین راه حکمرانی را جستجو کرد (هاقز^۱، ۲۰۰۳: ۷۷). در نحله حکمرانی خوب، آنچه بیشتر مدنظر قرار گرفته است، دستیابی به جامعه‌ای سالم است؛ در این رویکرد، کارایی و اثربخشی مهم است، ولی محور نیست؛ محور بحث در حکمرانی خوب، دستیابی به حکومتی است که زمینه‌ساز توسعه دموکراسی و برابری باشد. بانک جهانی نیز بر این مهم تأکید دارد که لازمه حکمرانی خوب، حساب پس دهی و پاسخگویی حکام است و این امر در گرو شفافیت مالی است؛ بنابراین مقدمه تحقق حکمرانی خوب، شفافیت امور مالی و توزیع عادلانه اطلاعات است. در واقع دو سازوکار اصلی مورد تأکید بانک جهانی عبارت‌اند از: «توسعه رقابت» و افزایش «حساب پس دهی»؛ سازوکارهایی که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، از سیستم قضایی گرفته تا آموزش و پرورش، کاربرد دارند (پور عزت، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

در الگوی حکمرانی خوب، دولت از مؤلفه‌های دموکراسی، مشارکت، پاسخگویی، عدالت محوری و اثربخشی برخوردار است که هر یک با تأکید بر ارزش‌های بنیادین، کارویژه‌های ارزشمندی را خواهند داشت؛ ضمن آن که شرط دستیابی به کارویژه‌های هر یک از مؤلفه‌ها، ایجاد ساختارهای مناسب در درون دولت است (زهیری، ۱۳۹۷: ۵۹). یک مبنای اساسی برای تعیین ویژگی‌های حکمرانی خوب شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل^۲ و بانک جهانی مطرح شده است.

این شاخص‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- مشارکت،

۲- حاکمیت قانون،

^۱ Hughes

^۲. UNDP

۳- شفافیت،

۴- مسئولیت‌پذیری،

۵- اجماع‌سازی،

۶- عدالت و انصاف،

۷- کارایی و اثربخشی،

۸- پاسخگویی (صحرایی و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

خلاصه آنکه از نظر بانک جهانی، به هر اندازه حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر، و فساد، مقررات اضافی، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسب‌تر است (حسینی‌تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۱۹).

حکمرانی نظامی و فرماندهی متعالی

در ادیان الهی از جمله دین مبین اسلام، علاوه بر نیازها و عوامل عامی که تشکیل حکومت را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، اهداف متعالی دیگری نظیر: اجرای قوانین و مقررات اسلامی، گسترش تعالیم دینی؛ ایجاد بستری مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و مکارم انسانی، لزوم مبارزه با مظاهر فساد و تباهی، رفع تبعیضات ناروا و اجرای عدالت و مساوات در جامعه، حفظ و حراست از آیین الهی و اهل ایمان در برابر هجمه استعمارگران و مفسدان، توسعه و تحکیم روح برادری و اخوت در جامعه اسلامی و ده‌ها نیاز خاص جوامع اسلامی، ضرورت تشکیل حکومتی بر معیارهای دینی و تحت زعامت رهبری عالم، آگاه و متقی را دوچندان می‌سازد (بای، ۱۳۹۴: ۱۷).

سیره نبی اکرم «صلی‌الله علیه و آله و سلم» در دوران ده‌ساله حاکمیت اسلام در مدینه،

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های حکومت در طول تاریخ بشری است. دوران بیست و سه‌ساله رسالت پیغمبر، دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو نمونه از حاکمیت اسلام برای همه زمان‌ها و دوران‌های تاریخ انسان و همه مکان‌هاست. البته این الگو، یک الگوی کامل است و مثل آن را دیگر در هیچ دورانی سراغ نداریم؛ لیکن با نگاه به این الگوی کامل، می‌شود شاخص را شناخت. این شاخص‌ها برای افراد بشر و مسلمان‌ها علامت‌هایی است که باید به وسیله آنها نسبت به نظام‌ها و انسان‌ها قضاوت کنند. این جز با ایجاد یک نظام نمونه و الگو امکان‌پذیر نبود؛ لذا پیغمبر به مدینه آمد تا این نظام نمونه را به وجود آورد. پیغمبر نمونه را می‌سازد و به همه بشریت و تاریخ ارائه می‌کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵).

امام خمینی «ره» به دو سری از شاخص‌ها و ویژگی‌ها عنایت دارند که یک سری از آنها را که می‌توان ارکان و بنیادهای اساسی «یک حکمرانی خوب» یا شرط لازم آن تلقی کرد، عبارتند از: عدالت، مردمی‌بودن، ابتناء بر آرا عمومی و اسلامی بودن یا ابتناء بر ضوابط و قوانین اسلام؛ دسته دیگر از شاخص‌ها نسبت به دسته اول دارای اهمیت ثانوی هستند و لذا شاید بتوان آنها را شرط کمال حکمرانی دانست نظیر: علم و آگاهی، اجتهادی بودن، تقوا و ورع، حسن تدبیر و مدیریت، انتقادپذیری، خدمتگزاری، امانت‌داری، ثبات سیاسی، قانون‌مداری. همچنین رهبر انقلاب اسلامی ایران در دیدار با دولت جمهوری اسلامی ایران در ششم شهریور سال ۱۳۸۵، شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی را این‌چنین تبیین و اعلام می‌نمایند: عدالت‌خواهی، فساد ستیزی مسئولان، مردمی‌بودن، اجتناب از اسراف، خردگرایی، وسعت نظر، اجتناب از منافع شخصی، شجاعت و قاطعیت، تلاش بی‌وقفه برای پیشرفت، شایسته‌سالاری، نظارت، قانون‌گرایی، حفظ سرمایه‌های ملی، مهندسی فرهنگی، مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۹۱: ۶۸).

در جامعه پویا و برخوردار از رفاه نسبی، با ایجاد امنیت و تقویت اعتماد عمومی، امکان مشارکت را برای همهٔ آحاد جامعه فراهم می‌سازند. حکمران مسلمان رعایت حقوق عامهٔ مردم و بیت‌المال را محترم انگاشته، به توسعه و آبادانی جامعه تحت مدیریت خویش همت می‌گمارد (کیانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). حکمرانی متعالی باید چهار ویژگی ضروری و مهم: استقلال، آگاهی، جدیت و استمرار در انتخاب را برای آحاد جامعه مهیا سازد (پورعزت، ۱۳۹۱: ۲۸۸-۲۸۷). بدین ترتیب، در اثر توسعهٔ حکمرانی متعالی، جامعه‌ای متعالی شکل می‌گیرد؛ جامعه‌ای آگاه، جدی، مستقل و مراقب. این مهم مستلزم جهاد در همهٔ ارکان و احوال زندگی است. جهادی که حتی در حفظ شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز متجلی می‌شود (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). حکمرانی مطلوب در اکثر موارد بیانگر فهرستی از خصوصیات پسندیده است که حکومت باید برخوردار باشد و مبین نگرانی‌های هنجاری دربارهٔ اموری است که حکومت باید انجام دهد (گریندل، ۲۰۱۰: ۲).

بر همین اساس متفکرین اسلامی هر کدام ویژگی‌های مطلوبی را برای حکمرانی متعالی، شایسته و خوب در جامعه بیان نموده‌اند. «شیخ طوسی، تأمین و حفظ مصالح عمومی، برقراری نظم و امنیت، بسط عدالت اجتماعی، تأمین رفاه نسبی و عمومی جامعه را از آرمان‌های حکمرانی خوب می‌داند. فیض کاشانی، اهدافی چون عدالت‌ورزی، تأمین رفاه و آسایش، تعلیم و تربیت، مشورت در میان مردم را مورد توجه قرار می‌دهد» (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱: ۶۸).

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اساسی و اصولی حکمرانی متعالی اسلامی، عبارت‌اند از: ایمان، معنویت، تقوا و اخلاق‌محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه؛ مردم‌سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی؛

مشارکت مردم، مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی؛ امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت‌محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت‌رسانی به آحاد مردم جامعه که البته آنها را می‌توان از سرفصل‌های اساسی حکمرانی متعالی معرفی کرد و از هر عنوانی جزئیاتی بیشتر استخراج نمود (عابدی‌درچه، ۱۳۹۹: ۲۴۲).

به عبارت دیگر، حکمران نظامی مطلوب و فرماندهی متعالی دارای شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است که عبارتند از: معنویت، تقوا و اخلاق‌محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در سازمان؛ نیروسالاری بر مبنای دین و نظارت نیروها و واحدها؛ مشارکت نیروها، مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی؛ امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت‌محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین استقلال، آزادی، امنیت و



استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ داشتن روحیه تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت‌رسانی به آحاد کارکنان و نهادینه کردن آن در سازمان بخشی از مؤلفه‌هایی است که می‌توان به آنها اشاره نمود.

شکل ۱: ویژگی‌های حکمرانی نظامی و فرماندهی متعالی

معرف‌ها و سنجه‌های فرماندهی مطلوب

فرماندهی هم هنر است و هم علم؛ بر همین اساس هیچ‌گاه دو فرمانده به یک روش عمل نمی‌کنند، فرماندهان توانمند و اثربخش باید مجموعه متناسب و هماهنگی از مهارت‌های فیزیکی، معنوی و فکری را در خود ایجاد نمایند. اگر چه با یک بررسی تاریخی می‌توان به شماری از ویژگی‌های معمول و متداول فرماندهان پی برد؛ اما یک فهرست مشخص و مورد توافق از این ویژگی‌ها در زمینه فرماندهی مؤثر و توانمند، وجود ندارد. به طور مشخص می‌توان سه ویژگی ذیل را در دفاع مقدس و در دوران معاصر برای فرماندهان برجسته و ممتاز دانست:

قدرت تصمیم‌گیری و شجاعت برای پیاده‌سازی پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هدایت و کنترل (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵-۱۲۰).

یک فرمانده و یا مدیر انقلابی در مرحله اول باید به خودش توجه نماید. این توجه از بُعد معنویت است. یعنی باید خودسازی نماید به نحوی که آثار این معنویت برای دیگران قابل رویت باشد. در مرحله بعد تمام اعمال و رفتارهای دیگران الگو باشد. این رفتار یک‌شبه به دست نمی‌آید، تمرین، حوصله و استقامت می‌خواهد. شجاعت، انقلابی بودن، نظم و انضباط، مردمی‌بودن و دوری از تشریفات زائد. مرحله سوم خودسازی در زندگی شخصی است: دنیاگرایی و تجمل‌گرایی ممنوع، دیگران فرماندهان را کاملاً زیر نظر دارند.

برخی از ویژگی‌های فرمانده و مدیر مطلوب در حوزه امورات شخصی و فردی که جنبه عمومی داشته و تأثیر آن بر اطرافیان آشکار است، عبارت‌اند از: ضرورت عبادت، تهجد، تربیت نفس و خودسازی؛ اعتماد و توکل به خدای متعالی در همه امور، رعایت تقوای الهی و نظم در کارها، توجه به محاسبه نفس و مراقبه دائمی (داشتن ناصح دلسوز و خصوصی)؛ اخلاص و مردم‌داری قبل، حین و بعد از مسئولیت؛ راست‌گویی و صداقت، ضمن رعایت اصول امنیتی و رازداری؛ پرهیز از تکبر و خودبزرگ‌بینی نسبت به مردم؛ پرهیز از طعنه‌زدن؛ پرهیز از کارهایی که موجب غرور و خودبزرگ‌بینی می‌شود؛ خیرخواهی و نصیحت مشفقانه به دیگران؛ رعایت انضباط فردی و حضور به‌موقع در محل کار؛ ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی؛ پرهیز از اشرافی‌گری و رفتار تبعیض‌آمیز؛ امانت‌داری و حفظ اسرار دیگران؛ دقت در رعایت حق‌الناس در سازمان و جامعه؛ دقت در هنگام امضا کردن اسناد و مدارک؛ پرهیز از پذیرش مشاغل اقتصادی هم‌زمان با مسئولیت‌های مدیریتی و فرماندهی؛ پرهیز از دریافت هدیه در قبال انجام مأموریت‌های سازمانی؛ دقت و تأمل زیاد در عزل و نصب‌ها؛ داشتن سعه صدر و تأمل در تصمیم‌گیری‌ها؛ قراردادن وقت مشخصی برای مطالعه و تقویت بنیه علمی؛ حفظ خونسردی و تفکر در مواقع اضطراری؛ آخرین نفر بهره‌مند از امکانات در کمبدها؛ پرهیز از لغویات و کارهای دور از شأن فرماندهی و مدیریت؛ پرهیز از نسبت‌دادن اشکالات سازمانی به مسئولین قبلی؛ پرهیز از محول کردن امور شخصی و خصوصی به کارکنان و سربازان؛ لزوم اشراف به موضوعات و مأموریت‌ها؛ هماهنگ کردن جانشین و رئیس‌دفتر با خود؛ توجه زیاد به تعهد و دلسوزی افراد در واگذاری مسئولیت‌ها؛ ارتباط و دوستی با افرادی که از نظر مالی ضعیف هستند؛ ارتباط مستمر با محیط‌های علمی و دانشگاهی؛ عمل به تعهد و قول‌های خود و پرهیز از دادن وعده‌های غیرعملی؛ هماهنگی و همدلی با حوزه سایر سازمان‌های همکار؛ توجه و رسیدگی به امور خانواده و همراهی با

آنها؛ اهتمام به شرکت در مراسم‌های جشن و شادی اقوام، بستگان و همکاران؛ در زندگی شخصی اهل گذشت باشد و حضور منظم در مراسمات به‌عنوان این که فرمانده و مدیر خود نماد نظم و انضباط ظاهری باشد (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۸۱). مکارم شیرازی در کتاب مدیریت و فرماندهی در اسلام چهارده ویژگی عمده را به‌عنوان شرح وظایف سنگین فرماندهان و مدیران به شرح زیر بیان می‌کند: ایمان به هدف؛ علم؛ ثروت؛ امانت و درستکاری؛ صداقت و راستی؛ حسن سابقه؛ وراثت صالحه؛ سعه صدر؛ دلسوزی و عشق به کار؛ تجربه و آزمودگی؛ شجاعت و قاطعیت؛ عدالت و دادگری؛ پایگاه مردمی؛ پایبند بودن به اصول و ضوابط. همچنین اخلاص در نیت؛ توکل؛ صبر، استقامت، شکیبایی و پایداری؛ عفو و گذشت؛ همت و بلندنظری؛ ابتکار؛ نظم و انضباط؛ پشتکار؛ آمادگی برای پذیرش انتقاد؛ محبت و صمیمیت؛ آینده‌نگری؛ رازداری؛ تواضع و فروتنی؛ روح مشاورت و احترام به افکار دیگران از دیگر ویژگی‌ها و صفات مطلوب فرماندهان و مدیران است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۸۶-۱۴۸).

همچنین، برخی از ویژگی‌های فرمانده و مدیر مطلوب در حوزه امور نظارتی و کنترلی عبارتند از: نظارت و سرکشی مستمر از مجموعه‌های تحت امر؛ ابلاغ دستورهای کتبی برای پیگیری و بازرسی‌های بعدی؛ بازدید و ارتباط مستقیم با افراد در مجموعه‌های تحت امر؛ سرکشی به مجموعه‌های تحت امر در روزهای تعطیل؛ رعایت تساوی در سرکشی و بازدیدها و غفلت نکردن از بعضی رده‌ها؛ نظارت دقیق بر عملکرد مسئولان و مدیران؛ شناسایی استعدادها (فرماندهان و مدیران بالقوه) برای مسئولیت‌های آینده؛ اجرای دقیق آیین‌نامه انضباطی و پرهیز از خودمحوری؛ آشنابودن با سختی‌ها و کار نیروها؛ حسابرسی و کنترل در مسائل مالی؛ بازدید میدانی، قبل از تصمیم‌گیری‌های حسّاس؛ تشویق علنی و تنبیه خصوصی و پرهیز از تذکر به افراد در جمع؛ دقت در سالم‌سازی نیروی انسانی؛ برخوردهای قاطع، شفاف و محکم در شرایط خاص؛ برخورد جدی برای اصلاح افراد بی‌نظم و انضباط (ملکی،

(۱۳۹۶: ۱۵۳ - ۱۳۷).

از سوی دیگر، پیش از آن که شرایط علمی و اخلاقی یک مدیر لایق، روشن شود، باید ابعاد وظایف عمده او شناسایی و تعیین گردد. به طور کلی می‌توان گفت یک مدیر، ده وظیفه عمده و اصلی دارد: تصمیم‌گیری؛ برنامه‌ریزی؛ سازماندهی؛ هماهنگی و کنترل؛ ایجاد انگیزه و ابتکار؛ چاره‌جویی و پیشگیری؛ بررسی و ارزیابی عوامل پیروزی و ناکامی؛ جمع‌آوری اطلاعات و آمار لازم؛ جذب نیروهای صالح و تشویق و توبیخ کارکنان از جمله موارد مهمی است که می‌توان آنها را برشمرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۰: ۴۸).

یک فرمانده و مدیر موفق، متخلق به اصول اخلاق مدیریتی با فرادستان و فرودستان است. اصول اخلاق مدیریت و فرماندهی عبارتند از: قدرت روحی و سعه صدر؛ ساده‌زیستی؛ وجدان کاری؛ انضباط اداری؛ انتقادپذیری؛ اعتمادبه‌نفس؛ دلیری؛ وقار و متانت تغافل از جمله صفات یک فرمانده مطلوب است. در مورد ارتباط با فرادستان، اطاعت و فرمان‌بری؛ خیرخواهی و پرهیز از چاپلوسی و در رابطه با فرودستان، روابط صمیمانه انسانی؛ برخورد عادلانه؛ خوش‌بینی؛ گشاده‌رویی؛ قاطعیت در عین نرمی؛ قدرشناسی و ارج‌گذاری؛ عیب‌پوشی و همدردی است. همچنین آفات اخلاق سازمانی برای یک مدیر یا فرمانده عبارت است از خودمحوری؛ دورویی؛ تنگ‌نظری؛ تبعیض؛ انتقام‌جویی و بدزبانی که عملکرد فرمانده را خدشه‌دار می‌نماید (آخوندی، ۱۳۸۷: ۱۲۹ - ۲۵).

برخی از ویژگی‌های فرمانده در حوزه مأموریتی عبارتند از: پافشاری بر اصول، ثابت‌قدم در حق و پیروی از ولایت بدون رفتار محافظه‌کارانه؛ عمل به تکلیف انقلابی به طور شجاعانه؛ انجام وظایف قانونی و شرعی در مأموریت‌ها (بدون چشم‌داشت مادی)؛ پرهیز از القای یأس و ناامیدی به زیرمجموعه و مردم؛ داشتن قدرت تصمیم‌گیری در شرایط خاص (برای عبور

از بحران)؛ کوشش و درایت در تصمیم‌گیری برای عبور از بحران‌ها در شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و غیره؛ عمل به‌موقع برای پیشگیری از بروز مشکلات؛ ضرورت حمایت از حقوق افراد سازمان و مرتب‌تین؛ ذخیرهٔ اموال و امکانات به اندازهٔ نیاز (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۵۹)؛ بنابراین، فرماندهی مطلوب و حکمرانی نظامی متعالی دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است که بدون تعهد و تخلُّق به آنها، هیچ شخص یا سازمانی نمی‌تواند در پیشبرد امور و ادارهٔ خود موفق باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سبک فرماندهی، شیوهٔ ادارهٔ امور نظامی یک سازمان است. اما الگوی حکمرانی نظامی مطلوب، شامل مجموعه خصوصیات رفتاری و اخلاقی فرمانده و زیردستان او و نیز ویژگی‌های فردی و سازمانی، نظارتی و کنترلی، برنامه‌ریزی و اجرا، هدایت و کنترل و هماهنگی موضوعات مختلف است که در مجموع می‌تواند این الگو را به‌عنوان یک سیاق ممتاز در حوزهٔ امور نظامی مطرح نماید. در این پژوهش با تبیین ادبیات الگو و الگویابی، فرماندهی و حکمرانی مطلوب به لحاظ نظامی، منظور از حکمرانی مطلوب بیان گردید. مفهوم حکمرانی نظامی و فرماندهی متعالی نیز مشخص شد. در این سیاقی از حکمرانی است که بر اساس اصول اساسی و مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، آرمان‌ها و مکتب اسلام است به دنبال اصلاح وضعیت موجود جامعه و نیل آن بر مراتب ترقی و پیشرفت است. در این الگو، حکمران نظامی مطلوب و فرماندهی متعالی با معنویت، تقوا و اخلاق محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در سازمان؛ نیرو سالاری بر مبنای دین و نظارت نیروها و واحدها؛ مشارکت نیروها، مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی؛ امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین

استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ داشتن روحیه تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت‌رسانی به آحاد کارکنان در پی نهادینه کردن آن در سازمان است.

منابع

امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین (علیه السلام)، چاپ چهل و هشتم، خرداد، تهران: مؤسسه جهادی.

امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹). بیانات در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای نظامی و انتظامی.

آخوندی، مصطفی (۱۳۸۷). اخلاق مدیریت، چاپ چهارم، تابستان، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

بای، حسینعلی (۱۳۹۴) حکومت اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پور عزت، علی اصغر (۱۳۹۱). عدالت زبانی، نقطه عطف روایت عدالت در نهج البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

پور عزت، علی اصغر و پاک نوش کیانی (۱۳۹۴). خط مشی مالی دولت و حریم بیت‌المال از منظر نهج البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

پور عزت، علی اصغر (۱۳۹۶). مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، چاپ سوم، پاییز، تهران: سمت.

توکلی‌نیا، جمیله و محمدکاظم شمس پویا (۱۳۹۵). قدرت و حکمروایی شهری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

جاسبی، جواد و ندا نفری (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب برپایه نظریه سیستم‌های

باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان، صص ۱۱۷-۸۵.
حاتمی، محسن؛ رضا مقیسه و مسلم مقصودی (۱۳۹۶). بنای فرماندهی و مدیریت بر پایه رهبری، تهران: مرکز باقرالعلوم «علیه السلام».

حسینی تاش، سید علی و قادر علی واثق (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته بررسی و شاخصه‌های این دو دیدگاه از امیرالمؤمنین علی «علیه السلام»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۸، بهار و تابستان، صص ۲۸-۷.

دلیلی، شهاب، (۱۳۹۷). عدالت اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۸۲، زمستان، صص ۹۲-۶۱.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸). لغت‌نامه دهخدا، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
زاهدی، شمس‌السادات و حبیب ابراهیم‌پور (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری (با تأکید بر حفاظت محیطی)، چاپ اول، پاییز، تهران: انتشارات سمت.

زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). رسائل مشروطیت، تهران: کویر.
زهیری، علیرضا (۱۳۹۷). درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، زمستان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

صحرائی، علیرضا و امین محمودی نیا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب: چهارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت‌هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶). فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز، صص ۲۲۸-۲۰۷.

عابدی درچه الف، محسن، (۱۳۹۸). الگویابی دانشگاه اخلاق‌مدار در گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر حکمرانی علمی - اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی گام دوم انقلاب

اسلامی؛ رسالت دانشگاه‌ها، ۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشگاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، صص ۱۸-۱.

عابدی‌درچه ب، محسن (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی - ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خردادماه، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۳۰-۱۱۵.

عابدی‌درچه، محسن (۱۳۹۹). الگویابی حکمرانی مطلوب به‌منظور ارتقا اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری در رشته جغرافیای سیاسی، اساتید راهنما: دکتر بهادر زارعی و دکتر سید عباس احمدی، اساتید مشاور: دکتر زهرا پیشگاهی فرد و دکتر علی‌اصغر پور عزت، پردیس البرز دانشگاه تهران.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷). تاریخ فلسفه سیاسی غرب: عصر جدید و سده نوزدهم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی دوفضایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

عباسی، محمود و آرین پتفت (۱۳۹۶). حقوق شهروندی؛ از حکمرانی مطلوب تا فرایند اعمال اداری، چاپ اول، تابستان، تهران: انتشارات حقوقی.

عظیمی‌آملی، جلال و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۳). حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار)، چاپ اول، پاییز، تهران: سمت.

عنایت، حمید (۱۳۸۴). بنیاد فلسفه سیاسی در غرب: از هراکلیت تا هابز، تهران: زمستان. قراخانی بهار، اکبر (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر مفهوم الگوی، جامعه مجازی ترویج کاربری زبان

فارسی در محصولات علمی، موجود در وبگاه: WWW.VAZHGAN.COM

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی، ترجمه: حسین استادولی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کميجانی، علی؛ محمد رحيم عیوضی؛ مجید بزرگمهری و قدیر نظامی پور (۱۳۹۸). سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل‌بخشی آینده، دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۲۳۵-۲۰۷.

کیانی، پاک‌نوش (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان‌های دولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

لطفی، حیدر؛ امیر محسن‌زادگان؛ حسن حسینی‌امینی و بازرگان امیری (۱۳۹۵). مولفه‌های قدرت ملی در عصر جهانی‌شدن (فراصنعتی) مورد ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات آریاداد. مختاریان پور، مجید (۱۳۹۵). مدل فرآیندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان، صص ۳۰-۱۰.

ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). شرح اصول کافی، ترجمه: محمد خواجه‌وی و علی عابدی‌شاهرودی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.

مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹). گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیماه، صص ۲۲۵-۲۲۱.

مقیمی، سید محمد و مصطفی‌اعلایی اردکانی (۱۳۹۰). سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب

و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۸۸-۱۷۱.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). مدیریت و فرماندهی در اسلام، چاپ نهم، زمستان، قم: انتشارات هدف.

ملکی، جواد (۱۳۹۶). یکصد و ده تجربه فرماندهی و مدیریت، چاپ دوم، بهار، تهران: مرکز باقرالعلوم «علیه السلام».

میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی سازی علوم انسانی، نخستین نشست اندیشه های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دیماه، صص ۷۵-۶۱.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی های اقتصادی.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۹۱). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، فصلنامه راهبرد «یاس»، شماره ۳۱، پاییز، صص ۸۸-۶۴.

نقیبی منفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: شهر دانش.

وکیلی، سعید (۱۳۹۲). هندسه طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دفاعی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۱۳۶-۱۱۲۵.

ویسی، هادی (۱۳۹۲). درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.

منابع انگلیسی

- Arndt, Christiane and Oman, Charloes. (2008). The Politics of Governance Ratings, Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance.
- Johnson, I. (1997). Redefining the Concept of Governance.
- Hughes 1, Owen E. (2003). Public Management & Administration: An Introduction, Third Edition, Palgrave.
- Huther, Jeff & Shah, Anwar. (2006). Local Governance in Developing Countries (Public-Sector Governance and Accountability) , Washington D.C: World Bank Publications.
- Grindle, S. M. (2007). Good Enough Governance Revisited, Development of Policy Review, 25 (5): 553- 574.
- Grindle, S. M. (2010). Good Governance: The Inflation of an Idea. CID Working Paper No. 202.
- Goede, M. and Neuwirth, J. R. (2014). Good Governance and Confidentiality: A Matter of Preservation of the Public Sphere, Corporate Governance, 14 (4): 543-554.
- Kaufmann, Daniel.; Kraay Aart. and Zoidi-Lobaton, Pablo. (2002). Governance Matters II: Updated Indicators 2000-1. World Bank Policy Research Working Paper, (2772).
- Kaufmann, Daniel.; Kraay Aart. and Zoidi-Lobaton, Pablo. (2006). Governance Matters V: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996- 2005, Washington: The World Bank.
- Meehan, Elizabeth. (2003). From Government to Governance, Civic Participation and 'New Politics'; The Context of Potential Opportunities for the Better Representation of Women, Queen's University Belfast, School of Politics and International Studies, October.
- Rothstein, B. (2013). The Three Worlds of Governance: Arguments for a Parsimonious Theory of Quality of Government: Working Paper No. 12, Gothenburg Quality of Government Institute.
- United Nations Development Program (UNDP). (2004). Decentralised Governance for Development: A Combined Practice Note on Decentralisation, Local Governance and Urban/ Rural Development.

